خشونت مالي درخانواده

ر کی از بری است کا میان اعمال شیود اما تعرییف آن هنوز برای سی و ده سیاری از زنان تعریفی تازه است که تابه حال به گوش آنها نخورده و با آن بیگانهاند. در این گزارش که بخشــی از آن توسط «نیلوفر انسان» تهیه شده به روایت برخی از زنان که

موسقه ادبیغودراستان بهیدسده به روییدبرخی از ران نه این نوع خشـ ونت در محیط خانه بر آنها اعمال شده است. می برازیم بالمفهوم خشونت مالی پیشتر اشنان ویچ: بی شــک برای زینب هم که قصد دارم بــا او در این پاره صحبت کنم، خشونت مالی عبار تی تازه بخظر می آیدنگران استومضطرب.این رامی شوداز جویدن ناخُن ونگاه کردُن مدامش به ساعت فهمید خودش هم نمی داند که اضطراب دار د چون وقتی از او سوال می کنم که چرا مضطرب هستی می گوید که نه مضطرب نیستی اما می توانی خوب در کش کنی اگر بدانی که در ۲۵ســـال زندگی مشتر کش، که تنها یک زن خانه دار بوده، لحظه ای نبوده که مجبور نباشد برای چند تومانی که بیشتر خرج کرده، یک هفته به سوال های شوهرش فكركند وجوابهاى ازپيش ساختهاى را تحويل

ررد عادر ۱۳۰۰ میل دارد، ۲۵سال است ازدواج کرده و دو فرزند پسر و یک فرزند دختر حاصل ۲۵سـال زندگی مشتر ک ر کرد. او و شسوهرش است.از او درباره خشونت مالی می پرسم و این که منظورم از خشونت مالی چیست و او می گوید: «برای گرداندن خرج و مخارج خانه در این ۲۵سال خیلی عذاب کشیدم اما شوهرم اوایل از دواج این طور نبود. یک مغازه با یکی از دوستانش داشت و هیچ ملالی در زندگی مان نبود تش درست در سال ســوم از دواجمان س را کلاه می گذارد و او هم مجبور می شود با هزار جان کندن خودرویی بخرد و مسافر کشی کند. در ست از همان سال ها بود که دست ما تنگ تر شدو شوهرم بدخلق تر. دیگر حتی از یک ۲۰ تومانی اضافه هم که خرج می شد، چشم پوشی ر" نمی کرد و مدام برای پول دادن به من و بچه هابدخلقی می کرد. مین هم که کاری بلد نبودم تا بسروم دنبال کار اما به هر حال مجبور بــودم با همان مقــدار خرجی که به من می دهد، هم زندگی را بچرخانم و هم پول توجیبی در حد نیاز به بچهها بدهم که مبادا جلوی دوستانشان سرافکنده باشند و از طرف دیگر هم مراقب باشم که پول اضافهای در بنميانخرجنشوده

و این گونه به صحبتهایش ادامه می دهد: «مدام هم باید و ین توجه به میرسشهای احتمالی او میساختم در ذهنم پاسخهایی به پرسشهای احتمالی او میساختم تامبادا آشویی در خانه بیا کند. از یک طرف هم وقتی پدرم فوت کرد، با وجود ۴ برادر، از خانه نقلی پدرم چیز چندانی

اختلاف در محيط خانه اتفاق دور از ذهني نيس

در همه خانه ها این اختلاف نظرها وجود دارد، گاهی با یک

بحُث كوچك خاتمه مى يابد، گاهى اين جر و بحث به دعوا

مے رسند و گاہے در خشنونتھای خانگے خود را نشنان

ی میدهد. اما تکلیف بچهها در این اختلاف نظرها چیست؟ کودکان در میان جروبحث والدین باید چه کار کنند؟ این که

پدُر و مادرها، گاهی اُوقات با هــم مخالف و گاهی هم بحث می کنند، یک مسأله عادی است. آنها ممکن است درباره

یی بول، کارهای خانه یااین که وقتشان را چطور باهم بگذرانند، تحقیقات جدید نشـان میدهد که محکم بســتن در، دادزدن و سکوت ســنگین بین پدر و مادر، می تواند از نظر هیجانی و احساســی به کودکان آسیب وارد کند. محققان

دریافته اند، کودکانی که در سنین مهدکودک هستندو

والَّدين شان به كرات و با خُشونت با يكَّديكُر دعوا مي كنند بیشتر احتمال دارد که وقتی بزرگتر می شونداز نظر هیجانی

... احساس نامنی داشته و از افسردگی، اضطراب و مشکلات رفتاری در دبیرســتان رنــج ببرند. باایــن حال، محققان

باهم مدیریت کنند، کودکان به خاطر این تعارض آزار زیادی

. حققان می گویند، کلید حفظ ســــلامت و ســــاز گاری

کودکان این نیست که زندگی بی نقص و کاملی داشته باشید، بلکه راه آن کنترل هیجانات و حل تعارضها به

ـــــر ـــ صبیست سعی می است. اما در والدین مشکل را حل و سعی کنند روی آن کار کنند و راه حل ارایه دهند، اگر وسط دعوا هستند هیجان مثبت نشان دهند و به بکد،گ

مرفهای خوب بزنند یا مهربان باشــند کودکان همه این

عوا هستند هیجان مثبت نشأن دهندٌ و به یکدیگر

نمى بينند

جمع وجسور كنيم وهمين بهانه بيشسترى براى بدخلقي ه دست شوهرم داد. نمی توانست بفهمد که من در تقسیم بن ارث تقصیری ندارم و مدام سر کوفت می زد که به فکر . زندگی نیستی. با گذشت هرسال و بالا رفتن تورم، وسواس سد من هم دلُم برایش می سوزد چرخاندن و هم بیشتر شــد من هم دلم بر ۴ سر عائله کار سختی است.»

۱ سرعامته دارسحی ست. فروغ هم ۲۴ سالش است و به قول خودش دیگر نای بحث کردن با شوهرش را ندارد اما هنوز هم گاهی بر سر کوچکترین مسائل مالی با یکدیگر جروبحث دارند او که دیگر غبار ۵۰سال زندگی مشتر کبر چروکهای صورت شر نمایان شده می گوید: «وقتی جوان بودم نمی فهمیدم که زندگی چطور می گذرد، گاهی که از لحاظ مالی در تنگناقرار داشتم، بچههار امی فرستادم تااز قصابی آشنامرُغ و گوشُت بخرند.هرطور بودزندگی می گذشت. نمی فهمیدم که دلهرهام بسرای گرداندن زندگی چطور اعصابم را تحت تأثیر قرار می دهد. به تدریج وسواس پیدا کردم و باهر پیله شوهرم به پولهایی که کم و زیاد می شد من هج به نظافتش پیله می کردم و وسواس شدیدی به ے ہے۔ بزی پیدا کردم حالا ھم که در

دیگر من بدخلق شدهام. گاهی فکر می کنم باید انتقام روزهای جوانی را

زاوبگیر مامابعد دلج برایش می سوزد.»

ں -- - ں مبایدانتقام روزهای جوانی را

خشونتمالىچيد

نیاز مالی زنان به مردان و فرصتی که در حاشیه این نیاز

به برخُی از مردان داده می شُود تا زنان را موُرد آزار روانی قرارُ دهند،از مصادیق خشونت مالی است که در تعریف خشونت

، انواع آن حای گرفته و البته خود آن نیز می تواند بخشی از

___ ونتروانی به حساب بیاید. در بخشی از کتاب پژوههٔ

درباره خشونت علیه زنان در ایران در تعریف خشونت مالی

چنین آمده است: «در بسیاری از نقاط جهان، زنان نیروی

میری پیت ترد به عدم عام عدر ... فشارخون بالا و استرس و اضطراب گاهی از پامی اندازدم اما دیگر بچه ها ند و من هم مجبورم با حقوق ندک یک بازنشسته کنار بیایم و با اندک یک بازنشسته کنار بیام و با غرغرهای همیشگی آن بسام او با می پرسم که آیا شوهر تان سازم جانه از مثل گذشته برای خرج خانه از شما سوال و جواب می کنند و او نفس عمیقی می کشد و می گوید: «دیگر برایش شاده حوصله آن طوری برایش نمانده است شاید این روزها دهند،ازمصاًدیقخش

مردانی کـه به زنان خود خشـونت می ورزنـد، خواه از هرنوُعی باشــد، چه جَســُـمی و چهٔ روانی، مُمُکن استُ درُ دوران کودکی شاهد خشونت اعمال شده پدرانشان علیه مادراتشان بوده یا مورد هر گونه کودک آزاری قرار گرفته یا

خوُدمراقبتُ كُننُد، بي آن كه امنيت اقتصادي داشتُه باشن آنان دسترسی به منابع اقتصادی ندارندو به همین دلیل تا آخر عمر کاملا وابسته به مرد خانواده یا افراد ذکور باقی

ست. ر ادامه تعریف خشــونت مالی در این کتاب هم . آمدهُ اسـت: "چنانچه مـردان خانواده نخواهنــد از خود سخاوتی نشان دهند، ادامه زندگی زنان جدا به مخاطره میافتد، گاهی دچار سوء تغذیه می شوند و گاه حتی به ابتدایی ترین ضروریات زندگی دسترســـی ندارند، بهویژه وقتی که مــرد اولویتهای دیگری خــارج از قلمرو منزل ر و خانواده برای خود قایل است. همه این موارد را می توان

سود: بری خوددین مستنده بین مورد را می بون حت عنوان خشونت مالی تعریف کرد.⊪ امازهــرااعتباری، روانشــناس درباره خشــونت مالی و تأثیر اَن بر روان فردمی گوید: «متاسطانه در ایران بهدلیل عدم آگاهی زنان که گویا خود از ملزومات حفظ ساختار سنتى جامعه است، اين خشونتها كه از انواع خشونتهاى روانی هســتند، پنهان میمانند و زنان در طول سالهای زندگی مشترک نمی دانند که چه ضربهای از لحاظ روانی به آنها وارد می شود و تنها در سنین میانسالی و کهنسالی است که اتواع وسواس ها واضطراب ها

ونگرانی ها به سراغ آنها آمده و اعتماد به نفس و اتکابه خودرااز آنها سلب می کند.» او در ادام په چنین اضافه نياز مالى زنان به مردان و فرصتى كهدر حاشيه اين نياز می کند: «متاسفانه در ایران خشونت به بَر خی از مردان داده می شود ى ننهاضربه سخت جس مانىوفيزيكى تازنان رامور د آزار روانی قرار به بــدن در نظر گرفته میشــوداما به بسدن در صور حرصه می سود. چهبسا که حتی خشــونت روانی با میزانی مضاعف برزنان اعمال شود.» ت که در تعریف ۱۰ آ وانواع آن جاي گرفته والبته آماً آیا مردان خُودشان نیز قربانی خشونتاند؟ جهانگیر ادریسی، ودان نیزمی تواندبخ خشونت روانى به حساب بيايد حامعه شناس دراين بأره چنين

می گویسد: اهیچ چُرخه خُشــونتی ے دلیل تکرار نمے شودمگر آن که خشونت کنندہ خودنیز

درمُوردخشُونت مالی، خود أنها هم بهنوعی تحتُخشُونت مالی قرار داشته باشند مواردی مثل دستمز دبسیار اندک، پرداخت بهموقع دستمزد و ساعات کاری بالا بدون

هفتسال بعد هنگامی که کودکان وارد دبیرستان شده

عات دنبال شد. در این مدت ۳۶ زوج جدا شده

هر گونه پاداش یا مزایا، همگی می توانند در اعمال فشــار روانی به مردان تاثیر گذار باشند، ادریسی در ادامه اضافه نی کند: «مردان هم متاسفانه این انواع خشونتی را که از ن در رنجند در خانه علیه زنان اعمال می کنند و زنان هم گآهی علیه کودکان و این چرخه مدام ادامه می یابد. در هر دو مورد هم عامل قدرت و دو گانه قوی *اضعی*ف به شخصی که به هر نحوی قدرت, ا در دست دار داین اجازه, امی دهد که به شخصی که حالایااز لحاظ جنسیتی ضعیف انگاشته شده یااز لحاظ قرار گرفتن در قشربندی اجتماعی جایگاه ضعيف رابه خود اختصاص داده است، خشونت اعمال كند. ه هرحال صحبت با یک روانشناس یا روانکاو برای چنین افرادي لازم است،

ريسي همچنين به اين موضوع اشاره مي كند كه فقط زنان شوهر دار نیستند که تحت خشونت مالی قرار دارند. ر وُبهعنوان نمونه به زنان سرپرست خانوار اشـــاره کرده و میگوید: «مشــلاخانوادههایی که زنان در آن سرپرســت فاتواده هستند، برای ادامه زندگی به حمایت جدی نیاز دارند. نداشـــتن تمکن مالی و نداشتن ســر پناه مناسب ازجمله مشکلاتی است که در صورت بی توجهی می تواند ر برای کی ر سرمنشأ بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی شود بیشتر این زنان به دلایل گوناگون نظیر فوت همسرانشان یا طلاق بهاجبًار تنها معيشتُ مي كنندُ نداشتن شغُل مناسب نيز مهم ترين مشكل آنهاست و نداشتن تأمين مالي و شغل بناسيب بهعنوان سريرسيت خانواده علاومر بالابودن ب پذیری فرهنگی و اُجتماعی موجب بروز فشارهای روانی در زنان سرپرست خانوار نیز می شود.»

بهای خشونت مالی علیه زنان یکی از بزر گترین ومهم ترین پژوهش ها درباره خنا یا هم در ایران، طرحی ملی است که در سال های ۸۳ و ۱۸۴جراشد پژوهشی که تعدادی از جامعه شناسان ایرانی از جمله محمودقاضی طباطبایی، علیر ضامحسنی تبریزی ر جمعه مناصف علی مجبری این بودند. صدها پژوهشگر و و سیدهادی مرجایی مجری آن بودند. صدها پژوهشگر و پرسشگر درقالب این طرح در ۲۸ استان کشور به بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان پرداختند: پژوهشی که نجام فاز مطُالعاتی آن، تهیه پُرسشنامهها، اجْراُی مرحا میدانی، جمع آوری اطلاعات و تنظیم گزارش نهایی اش " ہی '' بی '' کے ''رک بیش از '''ســــال زمان گرفت، گـــزارش نهایی این طرح که شـــامل یافتههای تکان دهندهای درباره خشونت خانگی علیه زنان در شهرهای مختلف ایران بُودُ بالاخُره در اواسط سال ۱۳۸۳ آماده شــد. در نتایج حاصل از این تحقیق که درباره انواع خشمونتها بود درباره خشونت مالى در ايران مُده استُ: «تعدادي أزْ مُردان ايْراني با استفاده أزّ عوامل اقتصادی و مالی زنان را مور دخشونت قرار می دهند. ے۔ خرجی خانہ و پول کافی برای زنان مضیقہ های مالی ایجاد د. اگرچه زنان زاهدانی و بوشــهری از اول زندگی مشتر كشان تاكنون بيشترين خشونتهاى اقتصادى و مالی را تجربه کردهاند، اما در میان زنانی که قربانی این نوع خشونت هستند، زنان اصفهانی در طول یک سال به دفعات بیشتری تحت این خشونت همسران قرار گرفته اندالبته چنانچه در این تحقیق نشان داده شده است زنان سمنان و

مسونت مالى نيز همچون ساير انواع خشونتها زندگی زنان را به شــکلهای مختلفی تحتالشـعاع قرار می دهـدافراد ذکـور خانواده گاهـی حتی زنان رااُز درآمــد یـــاارتُ خودمُحرومُ می کننــد. برخی نیز بهخاطر بعضی مســـائل فرهنگی پــس از از دواج اجازه اشتغال از جانب همسر خود ندارند درصورتی که زنان سواد مناسب یا تجربه سرمایه گذاری نداشته باشند، محرومیت اینچنینی آنها ابزاری می شود برای تشدید وابستگیشان به مردی که با او زندگی می کنند و اغلب نیز قربانی خواســتههای فزاینده همان مرد می شوند. همان طور که گفته شد، خشونت مالی به شکل های مختلفیُزُندگیزنان را تحت تأثیر قرار می دهد که از آن - بر ر کی جملهمی توان به محرومیتزنان از سوادو حرفه آموزی، به فرصتهای برابراز حیث حرفه آموزی، عدم دسترسی به فرصتهای برابر از حیث حرفه اموزی، موانع قانونی ناظر بر ارث بری زنان، شــریک نبودن زن در اموال به دســت آمده پــس از آزدواج در صورت بـ طلاق، دستمزد کمتر زنان در محیط کار، منع اشته زنان توسط شوهر ، بخشیدن تنها حق مالی و قانونی زنان

یاسوج کمتر از سوی شوهران خود تحت مضیقه های مالی واقتصادی قرار می گیرند،

افزايش بزهكاري باكاهش دلبستكي به خانواده

در پژوهشــی که ســعی شــد رابطــه میان ر پروستی تعارضات والدین با بزهکاری ســنجیده شــود به «بررســی رابطه والدین با فرزندان و ارتباط آن با بزهــکاری» پرداخته شــد. جامعه آماری شــيراُز و نمُونه مــورد مطالعــه ١٠٣٥ دانش آموز دختر و پسر مشغول به تحصیل در سَـــالُ تَحصيُليُ ٨٨-٨٧ بودهُ است. جهتُ انتخاب نمونه نيز از روش نمونه گيري تصادفي حندم حلهای استفاده شده است. همحنین بن پژوهش با استفاده از روش پیمایش انجام بن شده و ابزار جمع آوری دادهها پرسشنامه بوده

تغير هاى مور دبرر سے در این پژوهش عبار تنداز: تعارضاتوالدینی

در این مطالعه اختلافات پنهان و أشکار والدين با يكديگر كه بامجادله، دعوا يا در گيري و کناره گیری همراه هستند، موردتوجه قرار گر فته اسہ

تعارضاتوالدين–فرزندان

دلبستگی جتماعی کنشمتقابل میان فرزنگان و والدیک اندازه گیری می شوند میزان دلبستگی فرزندان اندازه گیری می شوند میزان دلب به والدین بهوســیله تعدادی پرسش سن

> بــرای ســنجش طبقه جتماعــی از روش ذهنی استفاده شده اس این روش از پاسـخگویان[ٌ] سیده میشود بهنظر ودشان به چـه طبقه ر اجتماعی تعلق دارند، این جُوامع پهناور و ناهمگُون،

نامناسب؛بیسترین وکمترینمیانگین بزهکاری بزهکاری اولین یافته تحقیق نشان

سازنده بزهکاری، مربوط به تقلہ ر بر را را بربر . است که از شــاخصهای محور دردی و تقلب بوده است. در گیری لفظی با همکلاسیها و در گیری لفظی با خواهر و بسرادر نیز بعداز تقلب بیشترین میانگین را داشته اند کمترین را میانگین مربوط بعد دادن نامها یا لقبهای نامناسب به دیگران بوده است.

پُسرُهابُزُهکار ترند دومین نتیجـه تحقیــق تأکیــ بزهکاری بسرهانیش از دخترهاست دعوای پُدر و مادر و رفتار انحرافی

نوجوانان یافته بعدی نشان می دهد، تفاوت میانگین طبقات برحسب دلبستگی خانوادگی معنادار . بوده اســت. بچههایی که والدینشـــان دارای مارضات بیشتری با یکدیگر بودهاند، میزان بزهکاریشان بیشتر بودهاست. همچنین نتایج

وهیین به دروسی در حه، هصود. انحرافی نوجوانان بیشتر می شود. **دلبستگی به خانواده** بزهكارى فرزندراكم مى كند

این متغیر از دو بخش "نوع برخورد والدین با فرزندان درمیان دیگران و "برخورد آنها با فرزندان در خانه؛ تشکیل شدهاست.

ـشُها درخصوص اعتُماد به خانواده، شد. پرســشها در حسو- ن مشاوره با والدین، همکاری با آنها و گذران اوقات فراغت

ر .. طبقهاحتماعی

تقلُبدر امتحان واستفاده از القاب

ی دهد، بیشترین میانگین درمیان گونههای

پیامد جر و بحث های خانگی

كمرنك شدن احساس امنيت بين كودكان



والدين تغييرمى كند

تاثيردعواىوالدين

ن شد کودک) منتشر شده ۲۳۵ خانواده از سطح متوسط . (با در آمدُ متوسط) شُركت داشــتند ُهنگاُمي که کودُکان در مهد کسودک بودند از والدین در بساره میزان تعارضهای زن و شوهریشان پرسیده شد. همچنین از آنها خواسته شد در مورد یک موضوع بحثبرانگیز مانند مسائل مالی یا فرزندپروری بحث کنند در حالی که محققان بررسی می کردند که آنها چقدر نسبت به هم رفتار نکوهش کننده وانتقادى دارند

طالعهای که در نشریه Child Development

باطلاق گرفته و دو نفر از پدرهادر گذشته بودنداز کودکان و پاطلاق گرفته و دو نفر از پدرهادر گذشته بودنداز کودکان و والدینشان دوباره در مورد مسائل رفتاری و هیجانی سوالاتی پرسیده شد. طبق یافته ها، کودکانی که والدین شان هنگام کودکی آنها اغلب دعوامی کردند کمتــر از نظر هیجانی حسماس امنيت يا مصور دحما يتبودن داشستند. ناامني هیجانی شامل مواردی بودهمانند آشفته بودن کودکان، یا برون ریزی هیجانی مانند پرخاشگری یازدن هنگام تعارض، ر ارکزارش احساس رنج و نگرانی به خاطر دعوای والدین. یا گزارش احساس رنج و نگرانی به خاطر دعوای والدین. کودکانی که از نظر هیجانی کمتر احساس امنیت می کردند مشکلات روانی بیشتری داشتند، مانند علایم افسر دگی

ر ازُمی گردد، نشان میِ دهد که تعارض در زندگی زناشویی بر تواندبر کودکان تأثیر بگذارد. در این تحقیق تلاش شده درباره خَانُواده،بر کودکانُ تأثیر می گذارد.یک کودک،حس امنیت یا رفاه دارد، اگر آن را نداشته باشداز نظر هیجانی ۔ یہ رہ۔۔رہ، رہ ان رہ حسب باسدار بعو میں جات احساس آشفتگی واضطراب می کندومستعدیر خاشگری و رفتارهای خصمانه می شود والدین بالثواع استر سرهامواجه می شوند و دعوا امری طبیعی است، اما باید به یاد داشته باشند که کودکشان دعوای آنها را میبیند و میشنود. از دیگر تاثیراتُمنفیمشاجُرههایمُداومومستُمر در محیط فانواده، ایجاد روحیه پرخاشگری در کودک است. کودکی که هر روز دریک یا چند مشاجره خانوادگی قرار می گیرد و برای هر مساله کوچک و بزرگی، جر و بحث بزرگترها را می بینده به نوعی همین رفتار رامی آموز دو چنین شیوهای را در پیش می گیرد به این تر تیب زشتی و بدی پر خاشگری و خُشونت در ذهن کودک از بین می رودو او تصمیم می گیرد با خواهرها و برادرها یا دوستانش نیز با خشونت رفتار کند. ز طرُف دیگر، کودکی که در معرض و فتارهای پر خاشگرانه قُرار مُی گیردُو هُمیشه شـاهدمشاُجردهُای پدر و مادرش است،ممکن است نسـبت به یکی از والدین خود احساس تنفر کنداین احساس زمانی در اوایجادمی شود که اوببیند یکی از والدین عذاب می کشد و ناراحت است و دیگری هم

واضطراب ونیز مشکلات رفتاری همچنین مطالعاتی درگذشته که بـه سـالهای ۱۹۲۰ تــا ۱۹۳۰ میلادی

بالوبحثمي كند ء کودکنہ ے میتواند منطقی فکــر کند و تصمی و مین دلیل فقط می تواند از پدر یامادر ش متنفر شود باید به فرزندان مان بیاموزیم که همیشه اختلاف سلیقه وجود دارد، ولی به بهترین شکل می توان این مشکلات را بدون دعواو كشمكش برطرف كرد

پژوهش

ونسبتاقوى وجوددارد؛ يعنى باافزايش تعارض والدين بــا فرزندان در خانه، آمــكان بروز رفتار

افته دیگر تحقیق نشان میدهد،بین ما یقده دیدر نخفیق ستان می دهدایین معیر دلبستگی فرزندان به والدین و بزهکاری آنها رابطت معنی دار معکوستی به لحاظ آماری وجود دارد. از سویی تعارضات والدین تأثیرات منفی تری بر دخترها می گذارد و دلبستگی خانوادگی بیشــتر اثرات بیشــتری بر دخترها

بحثونتيجه كيرى

نتایج بهدست آمده گویای آن است که بسرها بیش از دخترها در فعالیتهای بز هکارانه در گیر شدهاند. شاید دلیل این امر ر بر بر آن است که جامعه و بهوییژه خانوادهها در مقایسه با دخترها آزادی بیشتری به فرزندان سیسه به سرطه ارامی پیسری یه طروعان پسـر میدهند از سوی دیگر همین آزادی موجب میشـود رفتارهایی از پسرها سر زند کـه موجب تعـارض آنها با والدین میشـود بهنوبه خود می تواند رفتارهـای بزهکارانه را درمیان آنهابیشتر تقویت کند.

رین پژوهـش نشان داد که عامـل طبقه جتماعــی روی روابـط والدین بـا یکدیگر و با في ندان أثر قاطعي داشيته اسيت. طبقات . رر ص اجتماعی گوناگون دارای سرمایه های اجتماعی و فرهنگی و همچنین سبکهای متفاوت حل

سأله هستُند كه مى تواند در شرايط گوناگون در نحـوه تعامــلات اعضا با یکدیگر و بــا دیگران اثر عامل طبقهاجتماعي روي

روابط والدین با یکدیگر و با فرزندان اثر قاطعی داشته . نتایج پژوهش همچنین نشان دادهاند، بین انحرافات نوجوانان و تعارضات والدین رر است.طبقاتاجتماعی ئوناگوندارایسرمایههای اجتماعي وفرهنگي با يكديگر و با فرزندان رابطه . همچنینسبکهایمتفاو حلمسألههستندکه مثبت و قوی وجود داش است. خانوادههایی که در آنها تعارضات زیاد است، ی توانددر شرایط گوناگون در نحوه تعاملات اعضابا به احتمال قوی نمی توانند . فتارهای مناه بكديكروباديكراناثر را به فرزندانشان آموزش . بگذارد. ُنتایج پژوهش همچنین نشان دادهاند بین

رابطهمثبتوقویوجود داشتهاست

همچنین فرزنــدان این خانوادههــا بــه احتمــال انحرافات نوجوانان وتعارضات والدين بايكديگر وبافر زندان زياد، رفتارهـای والدين با ر. یکدیگـر و با خوده

الگوی مناسب با دیگران تلقى مىكنند؛ بەويژە اگر در شــرايطي اين نوع رفتارها براي والدينشان مؤيداين نتايج است.

کنند، نظارت بهتری روی رفتارهای آنها خواهند داشت. همچنین در شرایط طبیعی در خانوادههای دور از تعارض و ... ی ر گســیختگی، ارزشها و هنجارهــای جامعه بهخوبی منتقــل شــده و والدیــن الگوهایی ب بـرای رفتارهـای فرزندانشـان

حواهندبود. در پایسان می تسوان گفت که اگرچسه روابط والدین با یکدیگر و با فرزندان تمامی تغییرات رفتارهای بزهکاراته نوجوانان را تبیین نمی کنده. امالازم است که تأثیر و تأثر این متغیرها با دیگر متغیرهای موثر در بزهـکاری نوجوانان مورد بررسے قرار گیرد تامیزان اثر گذاری آنها در شبکهای از روابط متغیرهای تأثیر گذار بررسی